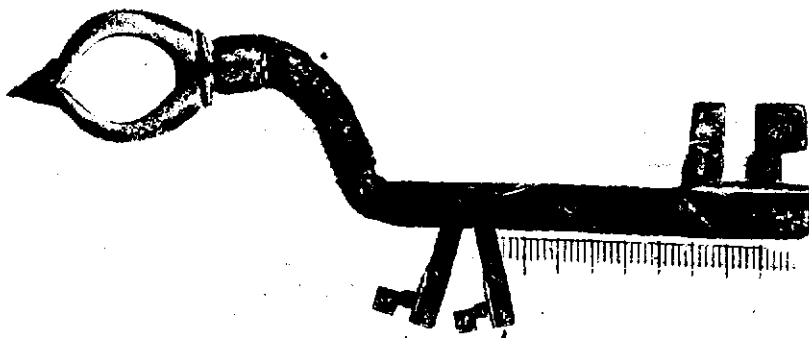


ترجمان و حیانی عدالت

نصر حامد ابوزید
محمد صابر صدیقی



مقدمه

عدل از مفاهیم بنیادی است که قرآن در بخش‌های مختلف، با استفاده از روش‌های گوناگون، توضیح و تبیین آن پرداخته و رعایت و پای بندی به آن را مورد تأکید قرار داده است. از نگاه قرآن، آفرینش بر پایه عدل استوار بوده و ظلم و بی عدالتی در آن جای ندارد؛ از این رو رفتار مخالف عدل و عدالت، درست به معنای پایمال کردن و نادیده گرفتن قوانین هستی است که آفریدگار تعیین فرموده است. مفسران و دانشمندان مسلمان، بخش‌های گوناگون علوم قرآن را که برای توضیح و تبیین عدل الهی بنا شده، بر عروة الوثقی فطرت - این پیمان جاودانه میان آفریدگار و بندگانش - اختصاص داده‌اند. تقاضای فطرت انسانی اعتراف به یگانگی خدا و پای بندی به این تقاضا و رعایت آن، همان عادل بودن فرد است. از این رو قرآن و پیامبران، همه فقط به یاد آورندگان (مذکر) هستند و انسان را به یادآوری پیمان مقدس فطرت و رعایت مقتضای آن فرامی‌خوانند.

برای بررسی موضوع عدل و برابری و روشن ساختن دیدگاه اسلام درباره آن، تحلیل و بررسی علمی مسائلی چون تعدد زوجات (چند زنی)، نقش و جایگاه زن، جایگاه غیر مسلمانان در جامعه اسلامی و آزادی عقیده، و توجه به موافقت اسلام در این مسائل، اساسی است. هم چنین بازنگری در تفسیر تاریخی متن قرآنی یا (Re-Contextualization) از نیازهای اساسی، بنیادی و مهم آن است. نیز تعمق و تحلیل درباره داستان‌های قرآنی به مثابه نمونه‌هایی از سرکشی و انحراف انسان از عدل الهی، و بالاخره بررسی مفهوم «میزان» (ترازو) به منزله نماد و معیار سنجش خوبی‌ها و بدی‌های انسان، به منظور دستیابی تصویر درست از مفهوم عدل در قرآن، لازم و ضروری است.

در چارچوب حقوقی و قضایی، همواره مسئله عدل (در بحث برابری) در برابر قانون مطرح می‌شود؛ یعنی قانون را باید با همه مقررات و مضامینش رعایت کنند و بدون در نظر داشتن موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با آنان به طور مساوی برخورد کنند؛ اما مفهوم «عدل» دایره وسیع‌تری را شامل می‌شود و نیاید به معنای قضایی محدود شود، زیرا برابری و مساوات، مفهومی نسبی بوده و در ارتباط با هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و احياناً سیاسی، اقتصادی و دینی تعریف و تعیین می‌شود.

در گذشته عدل و برابری را یکی می‌دانستند؛ از این رو، عدل را نیز مانند برابری، در ارتباط با هنجارهای ذکر شده در بالا تعریف می‌کردند؛ اما با پدید آمدن آگاهی‌های جدید از حقوق انسان، نسبییت گرای فرهنگ با چالش مواجه شده و عدالت مطلقه مبنی بر مساوات میان افراد و ملت‌ها، بدون در نظر داشت اختلافات و ویژگی‌های ایشان، دوباره مورد توجه متفکران واقع شده است.

در این نوشته مفهوم قرآنی - نه اسلامی و فقهی - عدل بررسی شده است؛ هر چند

این بررسی کار آسانی نبوده و وسعت آن از حوصله این مقاله خارج است؛ اما بررسی مفهوم اسلامی و فقهی آن، از این نیز مشکل‌تر و مستلزم در نظر گرفتن همه علوم - اساسی اسلامی، مانند اصول فقه، الهیات، فلسفه، عرفان و آگاه بودن به آنهاست.

اسلام و عدل الهی

از دیدگاه قرآن، اسلام دین جدیدی نیست که بر محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شده باشد تا آن را در میان اعراب تبلیغ کند، بلکه پیام جاودانه‌ای است که همه پیامبران، از آغاز تاریخ بشر و در طول آن، برای رساندن آن به مردم، گماشته شده‌اند. بنابراین، همه پیامبران مطابق تعریف قرآن از اسلام، مسلمان بوده‌اند.^۱

در قرآن از اسلام به عروة الوثقی^۲ تعبیر شده، به پیمان جاودانه فطری میان خدا و انسان که بر سرش از تولد انسان بسته شده، اشاره دارد. «همین پیمان و تعهد فطری انسان با خداست که منشأ نوعی خودآگاهی در انسان درباره وجود خداوند و یگانگی و حاکمیت مطلق اوست و این خودآگاهی، همان فطرت یا قانون الهی سرشت در روان فرد است که مقتضای آن پایداری و استقامت بر توحید و عدل است و بالاخره همین فطرت معیار محاسبه و سنجش اعمال فرد در آخرت خواهد بود.»^۳

بنابراین، شناسایی و رعایت مقتضیات فطرت در زندگی، همان استوار بودن بر دین مورد پذیرش خدا و موجب نجات این جهانی و آن جهانی بوده و نادیده گرفتن و دست کم گرفتن آن، موجب عذاب و عقابی است که مسئول آن خود فرد است. داستان آدم و حوا در قرآن نشان می‌دهد که علت بیرون شدن آنان از بهشت، به رغم بلندی منزلت‌شان، همان مسئولیت ناشناسی آنها (فراموشی پیمان با خداوند برای نخوردن میوه ممنوع) بوده^۴ که خودآنان به آن اعتراف و از آن به نام «ستم بر خویش» یاد کردند و بخشایش خود را از خداوند خواستار شدند.^۵ بنابراین، این هیو، نه از روی خودکامگی و خودسری، بلکه بر اساس نتیجه عملکرد آنها و یاس نداشتن پیمان عادلانه میان دو طرف بوده است. تجربه فراموشکاری آدم، نیاز انسان به یادآورنده (مذکر) را نشان می‌دهد و کلماتی را که آدم از خدا گرفت و همچنین قرآن (ذکر) و همه پیامبران (مذکر) به یاد آورندگان اند^۶ که خداوند برای بازداشتن بندگانش از ظلم بر خود گماشته و فرو فرستاده است.

قرآن همیشه ظلم بر نفس (خویش) را با عدل الهی یک جامی آورد و نسبت هر گونه ظلمی به پروردگار را به شدت نفی می‌کند.^۷

پیروی از پیامبران و پذیرش دعوت ایشان، در حقیقت رعایت و پاس داشتن همان فطرت و پایداری بر دین خداست که بار عدل آن، فرد مؤمن به شمار می‌آید؛ چه پیرو یهود باشد یا مسیحی یا اسلام، زیرا اختلاف ادیان تنها در مقررات و قوانین آنهاست که موقتی و قابل تغییر است؛ اما در بعد عقیدتی که همان توحید، معاد و پارسایی... است، اختلافی در میان آنها نیست.^۸

قرآن افراد بشر را بر اساس آنچه گفته شد، به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. کسانی که وجود پروردگار را منکر و معتقدند، پس از مرگ، زندگی دیگری وجود ندارد (کافران).
۲. افرادی که به وجود خدا و یگانگی او باور دارند و مقررات و قوانین شرع را نیز رعایت می‌کنند (مؤمنان).
۳. دسته‌ای که وجود خدا را می‌پذیرند؛ ولی چیزهای دیگری را شریک او می‌دانند (مشرکان).
۴. کسانی که به وجود خدا و یگانگی وی باور دارند، ولی قوانین و مقررات شرع را رعایت نمی‌کنند (فاسقان).

برداشت‌های نادرست از بسیاری مفاهیم قرآنی، در نتیجه عدم رعایت سیاق و قرینه در تفسیر این آیات و نیز ترتیب‌های بعدی آیات و سوره‌های قرآنی به وجود آمده است. در قرآن آمده که مشرکان در هر جایی که پیدا شوند، باید کشته شوند.^(۳۰) اما با عنایت به فراین گفتاری، تاریخی و دستوری این فرمان، در می‌یابیم که مقصود از این گزاره، تنها تخویف و تهدید است، بلکه سیاق، قرینه و نیز عملکرد پیامبر شاهد آن است که جنگ تنها وسیله رفع موانع و قیودات از سر راه دعوت و اعاده و حفظ عدالت بوده است. رفتار پیامبر در فتح مکه که ده سال پس از بیرون راندن اجباری مسلمانان از آن صورت گرفت، دلیل خوب و مستندی بر ضد فهم لفظی و عاری از قرینه‌های تاریخی و بلاغی این متن قرآنی است. پیامبر به سادگی مردم مکه را بخشید و برای ایشان از خداوند مغفرت طلبید.

در صدر اسلام، حتی یک مورد هم قتل دسته جمعی توسط سپاه اسلام صورت نگرفته است و این نشان می‌دهد که مسلمانان نخستین، این آیات را حاوی فرمانی لازم‌الاجرا و فریضه‌ای دینی نمی‌دانستند. روی هم رفته مسلمانان، نه تنها به عدالت در برابر غیر نظامیان امر شده بودند، بلکه طبق فرمان الهی به حفظ رابطه و رفتار نیکو با نظامیان موظف بودند.^(۳۱)

به همین ترتیب، بازنگری در تفسیر متون، مسائل مربوط به جایگاه غیر مسلمانان را حل و مشکلات موجود و سوء تفاهم‌ها در مورد دیدگاه اسلام به این مسئله را برطرف می‌کند: برای نمونه، وضع جزیه در اسلام برای غیر مسلمانان یک آورده قرآنی نیست، بلکه این روش معمول سیاسی و اقتصادی، در همه امپراتوری‌های پیش از اسلام، مانند امپراتوری فارس و روم وجود داشته و پرداخت آنها از جزیه با تفسیر فقهای مسلمان متفاوت بوده است؛ یعنی جزیه را اعلامی برای تحقیر و تسلیم کامل جزیه دهندگان می‌دانستند؛ در حالی که خوشبختانه هیچ یک از فقهای مسلمان، چنین برداشتی از آن ندارند، بلکه آن را یک مالیات اضافی در عوض خدمات اجتماعی و معافیت از خدمت سربازی می‌دانند. از این رو، زنان، کودکان، مریضان، معیوبان و کشیشان را از پرداخت آن معاف دانسته‌اند و حتی پا را از این فراتر گذاشته، فقرا و نیازمندان غیر مسلمان را در زکات که تنها مسلمانان پرداخت می‌کنند، سهیم می‌دانند. با بررسی و تعمق در این نکات، می‌توان به عنایت و اهتمام بسیار قرآن برای تعمیم و ریشه‌دار ساختن عدالت اجتماعی پی برد.

آیات نازل شده در مکه، بر عدل و عدالت با یتیمان، تهی‌دستان و نیازمندان تأکید دارد؛ از این رو، این آیات باید در پرتو سیاق وضع اجتماعی - اقتصادی مکه، در قرن هفتم میلادی که عهد بحران عدالت اقتصادی بوده و اهتمام به عدالت اجتماعی یکی از نیازهای اولیه آن بود، تفسیر و تحلیل شود. اگر چه قرآن در این آیات، واژه «عدل» را به کار نمی‌برد؛ ولی با ذکر حوادث و سرگذشت‌ها، به صورت ضمنی به ضرورت اهتمام به عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.

برخی از این آیات، پیامبر را مخاطب قرار داده، صورت روزهای کودکی‌اش را یادآوری می‌شود که پدرش را پیش از تولد و مادرش را در شش سالگی از دست داده بود. تجارب دردآور دوران کودکی وی با وجود سرپرستی جدش، نمونه‌ای از جامعه عاری از عدالت اجتماعی - اقتصادی آن روز مکه است. به همین دلیل، قرآن روزگار کودکی و یتیمی پیامبر را به آن حضرت یادآوری می‌کند.^(۳۲)

قرآن مردم آن روز مکه را به قومی از پیشینیان که به عمد، از ورود مستمندان به بستان‌های خود و استفاده از میوه‌هاشان جلوگیری می‌کردند، تشبیه کرده است.^(۳۳) که این خود تصویری از نابرابری اجتماعی را نشان می‌دهد و این را بارها با گویش‌ها و شکل‌های مختلف تکرار کرده^(۳۴) و حتی در جایی از بدرفتاری با نیازمندان و یتیمان به منزله کفر و بی‌دینی یاد کرده است.^(۳۵)

قرآن، شخص خودپرست و مغرور را تر و تمند یا فقیر، نکوهش کرده و طبیعت چنین شخصی را چنین تصویر می‌کند: اگر او تر و تمند باشد، پس با تکبر و فخر می‌گوید: «خدای مرا مورد کرم و فضل خویش قرار داده است»؛ ولی چون فقر به سراغش آید می‌گوید: «خداوند مرا تو همین و تحقیر کرده است»^(۳۶) یعنی در هر دو صورت، طوری عمل می‌کند که گویی وی، تنها انسان موجود روی زمین است و هیچ اعتنایی به دیگران و نیازهاشان، حتی در حالت ثروت‌مندی نیز ندارد. قرآن به صراحت بیان می‌کند که ثروت‌مندی امتیازی نیست که از طرف خداوند به نخبگانی از جامعه هدیه شده باشد و فقر نیز علامت تحقیر مستمندان از طرف خدا نیست، بلکه ثروت‌مندی و فقر، هر دو وسایل آزمایش انسان هستند که سخاوت و استفاده درست و عادلانه از آنها، پیروزی در این امتحان، و خودخواهی و

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا امکان برخورداری از عدل و عدالت در جامعه اسلامی برای کافران و مشرکان وجود دارد؟

پاسخ قرآن به این پرسش مثبت است، چون عدل الهی نهاده شده در پیمان جاودانه الهی میان خدا و بنده یا همان فطرت، هیچ گونه ظلمی را در هیچ بخشی از هستی نمی‌پذیرد.

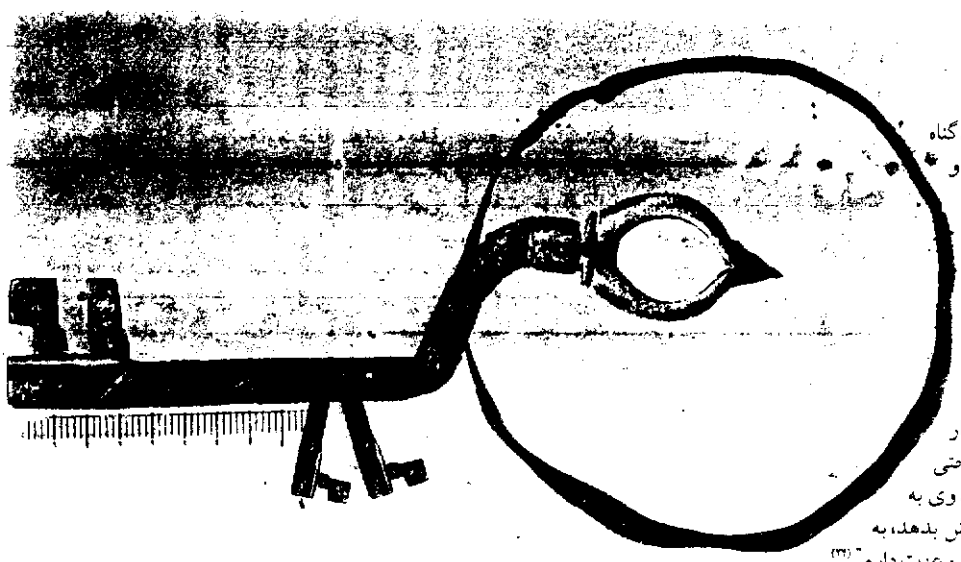
برابری و عدل

به نظر می‌آید که برخی مسائل، در بررسی‌های امروزی، با مفهوم عدل در تضاد است؛ مانند تعدد زوجات (چند زنی)، نقش و جایگاه زن، جایگاه غیر مسلمانان و آزادی عقیده. این مسائل همیشه، در هر بحثی در مورد قرآن و اسلام، پیش کشیده می‌شود. اگر چه فقیهان و دانشمندان مسلمان، پاسخ‌هایی توجیهی به این مسائل داده‌اند؛ ولی بررسی تاریخی و بازنگری در تفسیر تاریخی متن قرآنی، راه را به سوی تحلیل و تفهیم درست و رساتر این مسائل بازمی‌کند.

از نظر تاریخی، تعدد زوجات، عملی معمول در جوامع بشری پیش از اسلام بوده و آن را بخشی از وحی الهی و یک آورده قرآنی دانستن، اشتباه و خطای علمی بزرگی است؛ البته درست است که قرآن این موضوع را مورد بررسی قرار داده و مقرراتی برای آن وضع کرده است؛ اما وقتی گفتیمان اسلامی را در مقایسه با او بر اساس قواعد گفتیمان پیش از اسلام (جاهلی) بسنجیم یا به عبارت دیگر، در تفسیر متن قرآنی بازنگری کنیم؛ در می‌یابیم که قرآن تنها پدیده موجودی را قانونمند کرده است؛ نه اینکه هنجار جدید اجتماعی را تجویز کرده باشد.

آیه قرآنی که ادعای تعدد زوجات را پیش‌بینی و تجویز کرده، اساساً موضوع یتیمانی را که پس از شهادت پدرانشان در جنگ احد (سال سوم هجری)، به سرپرستی و نگهداری نیاز داشتند، مورد بررسی قرار داده است. از قرینه‌های تاریخی و گفتاری آیه برمی‌آید که این جواز، تنها درباره نکاح مادران آن یتیمان یادختران یتیم، در صورت خوف از عدم رسیدگی درست به آنها، در صورت عدم ازدواج بوده است. با توجه به این پیشینه‌های تاریخی و گفتاری، در می‌یابیم که عدل، نه تنها در اینجا در کانون توجه قرآن قرار دارد، بلکه آیات بعدی آن نیز بر این نکته تأکید می‌کنند^(۳۷) که ترغیبی شدید، به خودداری از ازدواج با بیش از یک زن را می‌رساند. مشکل بنیادی این مسائل آن است که سنت‌های اجتماعی جاهلی، همچنان حاکمیت خویش را بر جوامع اسلامی و اصول فقه اسلامی حفظ کرده است. نام این سوره «تساء» اشتباه آور است، چون در آن به جای محتوا، عنوان در نظر گرفته شده است؛ در حالی که اگر محتوا در نظر گرفته می‌شد، نام مناسب برای آن «عدل» بود، و اگر به آنچه گفتیم، تصویر قرآنی از ازدواج را ببینیم، سوء تفاهم به کلی رفع می‌شود. قرآن بیوند ازدواج را از نشانه‌های خداوندی می‌شناساند.

به‌طور عمومی از دیدگاه قرآن، جایگاه زن، از نگاه تاریخی و نسبی، رو به رشد بوده است. با بازنگری در تفسیر گفته‌های قرآنی درباره جایگاه زن و توجه به پیشینه‌های تاریخی و گفتاری، در می‌یابیم که هدف اساسی قرآن پیاده کردن عدل و عدالت در خصوص جایگاه زن و نقش او در جامعه است. هنگامی که از گفت و گو درباره نقش و جایگاه زن گذشته و به مسائل بحث برانگیزتر و داغ‌تر حقوق انسانی می‌رسیم، مشاهده می‌کنیم که برابری در پرتو مفهوم قرآنی عدالت، از تعالیم بنیادی اسلام است. این مطلب به روشنی تمام، در سوره نساء آمده است که خداوند همه انسان‌ها را از یک نفس آفریده و سپس جفت آن را نیز از خود او خلق کرد.^(۳۸) پس از آن، برای شناخت و معرفت از یک دیگر، آنها را قبیله قبیله و قوم قوم ساخت.^(۳۹) البته این برابری پدیده‌ای اختیاری نیست، بلکه هدیه الهی نهادینه شده‌ای در چارچوب کرامت و شرافت برای انسان است [....]^(۴۰)



سودپرستی و خدانشناسی در آن، ناکامی در این آزمون است. گناه واقعی سودپرستان و بیخیلان این است که نه خود به بیمان و نهی دستان کمک می کنند و نه دیگران را به این کار تشویق می کنند. آنان در حقیقت می خواهند، همه ثروت ها و دارایی های جهان را ببلند و به زر اندوزی، شیفتگی بی اندازه ای دارند.^(۳۳)

قرآن در داستان های بسیار، نمونه هایی از افراد ثروتمند، مستکبر و بی انصاف را به تصویر می کشد. در یکی از این سوره ها، انسان ثروتمند، مستکبر و از خود راضی تصویر شده است. او ذرین خیال است که وی سزاوار همه آنچه خداوند به وی ارزانی داشته، بوده است و حتی تمنای نعمت ها و امتیازات دیگری را در آخرت نیز دارد. وی به جای اینکه خدا را شکر کند و حق دیگران را در دارایی اش بدهد، به همراهان خویش با ناز و تفاخر می گوید: «من بیشتر از تو مال و عزت دارم.»^(۳۴)

قرآن از چنین شخصی با نام «ظالم به نفس خویش» یاد کرده است: یعنی روش وی درست مقابل مقتضای فطرت عادل و عدل گرای او بوده و به دور از تقاضای یمان فطری وی باشد.^(۳۵) در مقابل، تصویری از آدمی عادل و رعایت کننده تمایلات و خواسته های فطرت ارائه می دهد که همه نعمت ها را از خدا دانسته و خود را به رعایت عدل و شکر خداوند ملزم می داند و در برابر رفیق گستاخش پاسخ می دهد: آیا بر خداوندی که تو را از خاک و سپس از نطفه آفرید و به مردی رسانید، کافر شدی؟ اما من کسی را شریک پروردگار نمی سازم.^(۳۶)

خداوند جزای استکبار و ظلم بر نفس خویش را که با کفر مساوی است، این طور تعیین فرمود که «میوه هایش گرفته و از دستش خارج شد و او آنچه در پرورش آنها خرج کرده بود، اظهار تأسف می کرد و می گفت: ای کاش کسی را شریک پروردگار نمی ساختم.»^(۳۷)

این ماجرا در چندین داستان قرآنی تکرار شده و بر این نکته تأکید دارد که عذاب الهی بر هر قوم، به مقتضای عدل بوده و در حقیقت نتیجه عملکرد خود آنهاست. بد رفتاری و بی خیری از مستمندان، ناداران، نیازمندان، بیچارگان و معیوبان، نهادن قرآن نگوشت نشده است، بلکه جهت گیری همه ادیان و کتاب های آسمانی در این باره یکسان است: البته قرآن این موضوع را با دقت و شمول بیشتری بیان می کند. قرآن پرداخت حق مستمندان و ناداران از دارایی ثروتمندان را فریضه ای دینی قرار داده، بدین ترتیب - شاید - نخستین سیستم رفاه اجتماعی را در تاریخ جوامع بشری بنیان می گذارد. در این سیستم، هیچ گونه تبعیض مذهبی و اعتقادی وجود ندارد و حتی به طور کلیه هم، برای گروهی امتیاز ویژه ای نیست. قرآن زراوندی و نشناختن حق دیگران در دارایی را به شدت نکوشت می کند.^(۳۸) و هدف از وضع زکات و صدقات را توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از جمع شدن ثروت در دست و جیب شماری ثروتمندان می داند.^(۳۹)

اما آیا وضع زکات به تنهایی، می تواند عدالت اقتصادی را به وجود بیاورد؟ بلی، به ویژه اگر فراین و شرایط اجتماعی روزگاری که در آن زکات فرض گردید و نیز راهکارهای دیگر قرآنی (صدقات) را در نظر بگیریم در می یابیم، که زکات و نظام زکات یک سیستم اقتصادی و رفاه اجتماعی مؤثر است. علاوه بر نظام زکات، نکوشت ربا و رباخواری و مخالفت شدید با آن در قرآن، از دیگر پایه های اساسی سیستم عدالت اجتماعی - اقتصادی اسلام است. قرآن این دو مسئله (زکات و رباخواری) را به شکل ویژه ای با هم ارتباط داده و تصویر صدقه دهندگان را که با دقت و به خوبی از ثروت خویش در کمک به نیازمندان - بدون در معرض خجالت زدگی قرار دادن آنها - استفاده می کنند، با تصویر رباخواران مقایسه می کند و دسته اخیر را به جانوران خونخوار تشبیه می نماید.^(۴۰)

در سه دهه اخیر، بانک های اسلامی بسیاری، با هدف ایجاد سیستم اقتصادی بدون ربا در سراسر جهان تأسیس شده است؛ اما معامله در این بانک ها نیز طبق بررسی های انجام شده، همانند بانک های دیگر، بر اساس رباست، زیرا به عقیده بررسی کنندگان، فقها و وضع و شرایطی را که در آن ربا منع شده و نیز هدف از وضع آن را در نظر نداشته و فقط بر حرام دانستن بعد اخلاقی و قانونی آن، بدون در نظر داشتن علت عقلانی این ممنوعیت که همانا تعمیم عدالت اجتماعی - اقتصادی است، تأکید داشته اند.

حالا پرسش اساسی این است که آیا بهره (فایده) بانکی بر قرضه ها و حساب های بانکی، ربا به شمار می آید یا خیر؟ نو اندیشان مسلمان آن را از مفهوم ربا که در قرآن ذکر شده، خارج می دانند، اما کهنه گرایان و گذشته پرستان آن را عین ربا می دانند. به همین دلیل این مسئله پس از آنکه از چارچوب بررسی بر اساس عدل خارج شده و صرفاً بر مبنای قانون و اخلاق تحلیل و تجزیه گردید، نه تنها هدف اصلی از منع آن به دست نیامد، بلکه نمونه ای از اقدام های اشیاء امیر، تحت نام اسلامی سازی تلقی گردید.

عدل و قسط

قرآن واژه «عدل» را بارها با تمام ریشه ها (اسم، فعل، جمع، مفرد، صفت و...) مترادفات آن به کار برده است. در کاربرد «مفرد» آن «اسم» و «صفت» به یک معنا نمی آیند؛ یعنی «اسم» آن «عدل» همیشه برابری و پایداری بر حق و عدالت را می رساند؛ ولی اگر این واژه «صفت» باشد، به معنای راست و مستقیم و متوازن بودن است، پس این واژه هم به شیء و هم به وضعیت آن اطلاق شده است. سنگ بنیاد مفهوم قرآنی عدل را می توانیم در آیاتی بیابیم که در آن به عدل و عدالت، به عنوان امری مقدس و الهی امر شده است.

مثال قابل تحلیل و تجزیه در این مورد، آیه ۹۰ سوره نحل است که در آن عدل با احسان که نهایت نیکویی به خود و دیگران است، پیوند زده شده است. آنچه در این آیه و در راستای بحث، قابل تأمل و ذکر است، مخاطب صریح نداشتن این آیه است؛ یعنی در آن، بر خلاف آیات دیگر قرآنی، فردی از مؤمنان یا انسان ها مورد خطاب قرار نگرفته و این از نظر نحوی و دستوری، نشان دهنده جامعیت، فراگیری و وسعت افق خطاب این آیه است. همچنین در این آیه، امر به عدل و احسان با امر به ترکیه فحشا (کارهای شرم آور و بد)، منکر (همه کارهای نکوشت) و بی (تجاوز از حدود معقول در تعامل با دیگران) یگیری شده است. مثال های مفصل دیگری برای تبیین فحشا، منکر و بی یگیری در سوره اسراء (آیات ۲۶-۳۰) آمده است که در آن، مفهوم قوانین عدل، بی عدالتی، ظلم با خویش (شرک) و عدل با خویش (صرفه جویی در مصارف شخصی و عدم اسراف در آن) خلاصه شده است. از تباط عمیق میان عدل و احسان در آیه ۹۰ سوره نحل، اهمیت و معنای خویش را از تعریفی احذ می کند که پیامبر به احسان می دهد. تعریف پیامبر است که خدا را چنان عبادت کرد که با او را می بینی، چون اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند. این تعریف، احسان را از تمام اعمال عبادت قرار می دهد چون تو قرآن عدل و احسان از تباط و پیوستگی جمع می داری. از این رو عدل و احسان، تا مقام احسان، چنان که در تعریف پیامبر از احسان آمده است، بیلابد پیوسته است.

قرآن در آیات دیگر، عدل را با عدالت و انصاف و اجتناب از همه بدگویی ها پیوند داده است.^(۴۱) در این آیات، از قسط که مترادف و هم معنای عدل است، به کار برده شده است. قرآن در همین باره، عدل را با انصاف و انصاف را با عدل مترادف می داند. همه آنها را این نکته دلالت دارند که عدل مفهوم الهی و مقدس بوده و در راس قوانین هستی قرار دارد؛ زیرا پروردگار این قائم بالعدل است و او را باید عدل است. عدل و انصاف را بر اساس عدل و انصاف است که عدل و انصاف را می بیند و عدل و انصاف را می بیند.

شماره نگاه و شماره ۱۸۱۰

۲۶۹۴

قرآن تنها ذکر نمونه‌ها و مترادفات و امر به عدل بسنده نکرده، بلکه نمادهای رساننده اهمیت و ضرورت عدل را نیز بیان داشته است. ترازو (میزان) در قرآن از نمادهای عدل به شمار می‌رود^{۳۳} که معیار مقدس عدالت الهی را به نمایش می‌گذارد. قرآن همچنین بیان می‌دارد که عدل، تنها در زندگی بشر مطلوب نبوده، بلکه خلقت زمین، آسمان و مخلوقات دیگر نیز بر اساس عدل، برابری و توازن بوده است و ارسال رزق و روزی از خزانه‌های بی‌پایان خداوندی نیز به صورت معین و عادلانه است^{۳۴} حتی قرآن کتاب‌های آسمانی را میزان معرفی می‌کند. پس عدل معیار، ملاک و ترازو است که هر چیزی از مخلوقات را برابر و متوازن نگه می‌دارد و انسان یگانه مخلوقی است که اختیار دارد و می‌تواند راه ظلم و بی‌عدالتی را در پیش گیرد و از عدل سرپیچی کند که عقوبت آن نیز همان عقوبت ظلم بر خویش است تعیین شده است.

در داستان آدم و حوا، نابرابری و خدشه در نظام عدل را که آن دو ایجاد کرده بودند، با کلمات خداوندی جبران شد و قرآن با آوردن این داستان، به ما می‌فهماند که باید از بی‌عدالتی دست کشید و به خداوند رو آورد و عدل را پیشه کرد. در مجموع، این ما هستیم که مسیر مان را در آینده دنیوی و اخروی تعیین می‌کنیم و این مفهوم عدل الهی است.

پی‌نوشت‌ها

* نصر حامد ابوزید در سال ۱۹۲۳ م. در شهر طنزّه مصر به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مقطع کارشناسی (روشنه زبان و ادبیات عربی) در سال ۱۹۷۲، کارشناسی ارشد (در مطالعات اسلامی) در سال ۱۹۷۷ و دکتری (در مطالعات اسلامی) در سال ۱۹۸۱ در دانشگاه قاهره به پایان رساند. از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵ در دانشگاه قاهره، بخش زبان و ادبیات عربی را مدتی بارنه استادیار و انشیزار و سپس استادی مشغول تدریس شد. پس از اعتراف امرهای علمای مصری بر بعضی دیدگاه‌های وی در باره اسلام، قضیه به دادگاه کشیده شد و دادگاه او را به ارتداد محکوم کرد. در این زمان او به ندرلند رفت و اکنون در دانشگاه لیدن به تدریس مشغول است. وی آثار متعددی دارد که عبارت است از:

قرآن (ارتباطی میان خدا و انسان، کتاب و التأویل، و آثار الخوف، قرآءة فی خطاب المرأة، النص، السلطة، الحقیقة، الفكر الدینی بین آزاده المعرفة و آزاده الهیمة، نقد الخطاب الدینی، مفهوم النص، دراسة فی علوم القرآن، فلسفة التأویل، الاتجاه المعنوی فی التفسیر.

۱. نساء (۴) آیه ۴-۱۶۳.
۲. انعام (۶) آیه ۱۶۳-۱۶۴ اعراف (۷) آیه ۷-۱۳۳ یونس (۱۰) آیه ۷۲.
۳. نساء (۴) آیه ۱۲۵ آل عمران (۳) آیه ۲۲.
۴. اعراف (۷) آیه ۱۷۲.
۵. همان.
۶. بقره (۲) آیه ۱۱۵.
۷. همان، آیه ۳۷ اعراف (۷) آیه ۳۳.
۸. غاشیه (۸۸) آیه ۲۱ بقره (۲) آیه ۹-۳۸.
۹. بقره (۲) آیه ۵۷ آل عمران (۳) آیه ۱۷ توبه (۹) آیه ۳۶-۷۰ یونس (۱۰) آیه ۴۴.
۱۰. المائدة (۵) آیه ۶۹.
۱۱. نساء (۴) آیه ۲۹.
۱۲. همان، آیه ۲۲، ۲۱، ۳۰ و تحمل (۱۶) آیه ۷۲.
۱۳. نساء (۴) آیه ۱.
۱۴. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.
۱۵. اسراء (۱۷) آیه ۷۰.
۱۶. بقره (۲) آیه ۱۹۱.
۱۷. توبه (۹) آیه ۶.
۱۸. ضحی (۹۳) آیه ۱۰-۶.
۱۹. قلم (۶۸) آیه ۲۴.
۲۰. محمد (۴۷) آیه ۴۲-۶۴.
۲۱. ماعون (۱۰۷) آیه ۱-۳.
۲۲. صحر (۸۹) آیه ۱۵-۱۶.
۲۳. همان، آیه ۱۷-۲۰.
۲۴. کهف (۱۸) آیه ۳۴.
۲۵. همان، آیه ۳۵-۳۶.
۲۶. همان، آیه ۳۷-۴۰.
۲۷. همان، آیه ۴۲-۳۳.
۲۸. توبه (۹) آیه ۳۲-۳۵.
۲۹. حشر (۵۹) آیه ۷.
۳۰. بقره (۲) آیه ۲۷۳-۲۸۰.

31- Abdullah Saeed Islamic banking ofa .04 . Leiden . Prohibition Riba and its contemporary interpretation study of the: Xierest)6991

۳۲. اعراف (۷) آیه ۲۸-۲۹.
۳۳. آل عمران (۳) آیه ۱۸ بقره (۲) آیه ۲۵۵ حجر (۱۵) آیه ۱۶-۲۵.
۳۴. انبیاء (۲۱) آیه ۲۷، قارعه (۱۰۱) آیه ۶-۱۸ اعراف (۷) آیه ۸۹ مؤمنون (۲۳) آیه ۱۰۲-۱۰۳.
۳۵. حجر (۱۵) آیه ۱۹-۲۲.
۳۶. حدید (۵۷) آیه ۲۵.

نگرشی بر

مبانی معرفت شناسی

نظریه عدالت اجتماعی^(۱)

جامعه عادل

نجمه کیخا

۳۷۹۴